

فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن؛ مطالعه موردی تهران*

میثم بصیرت^۱، محمد مهدی عزیزی^۲، اسفندیار زبردست^۳، عباس احمد آخوندی^۴

^۱ پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۴ استادیار دانشکده معالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۲/۲)

چکیده

جهانی شدن، ابعاد، آثار و پیامدهای آن به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت پژوهشگران و دانشوران عصر حاضر، بیش از سه دهه است که در حوزه‌های مختلف موضوعی و سطوح و مقیاس‌های مختلف با شهر، به کانون بحث‌های محققان علوم شهری بدل شده است. در چنین شرایطی، جهانشمولی پدیده شهرنشینی در جهان از یکسو و ورود بحث جهانی شدن به علوم شهری از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری پاسخ‌ها و نظریات جدیدی در حوزه‌های مختلف سیاستگذاری شهری شده است. مقاله حاضر، به منظور بهره‌مندی شهر - منطقه‌ها از مزایای مثبت جهانی شدن و کاهش اثرات منفی آن، به ضرورت تجدید ساختار در نظام حکمروایی شهر - منطقه‌ها در عصر جهانی شدن تأکید دارد. از این رو، چارچوبی مبتنی بر حکمروایی کلانشهری خوب پیشنهاد شده است که پیگیری چهار اصل هنجاری ۱- ارتقای سطح رقابت‌پذیری شهری، ۲- نقش‌آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی، ۳- ارتقای سطح زیست‌پذیری و عدالت فضایی و ۴- حکمروایی کلانشهری خوب و یکپارچه را مبتنی بر مجموعه‌ای از رویکردهای نظری پشتیبان به منظور توفیق حکمروایی کلانشهری در عصر جهانی شدن ضروری می‌شمارد. در پایان، این مقاله به فرصت‌ها، چالش‌ها و دستاوردهای محتمل استقرار چارچوب پیشنهادی حکمروایی کلانشهری خوب در شهر - منطقه تهران اشاره دارد.

واژه‌های کلیدی

جهانی شدن، رقابت‌پذیری شهری، حکمروایی کلانشهری خوب، شهر - منطقه تهران.

* این مقاله برگرفته از بخشی از مطالعات رساله دکتری نگارنده اول مقاله با عنوان «تاثیرات جهانی شدن بر حکمروایی کلانشهری» می‌باشد که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارندگان سوم و چهارم مقاله، در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا تدوین شده است.

© نویسنده مسئول: تلفن: ۶۶۴۱۴۸۴۱، ۰۲۱ ۶۶۹۵۵۶۲۸، نمابر: ۰۲۱ ۶۶۹۵۵۶۲۸، E-mail: Mbasirat@ut.ac.ir

مقدمه

لازم با این جریان اجتناب ناپذیر، حداکثر منافع ناشی از این پدیده حاصل شده و آثار منفی آن به حداقل ممکن کاهش یابد. در مقاله حاضر تلاش می شود، ضمن معرفی گذرای ابعاد نظری تاثیرات جهانی شدن بر شهر- منطقه ها و نظام اداره آنها، ضمن تبیین ضرورت های تجدید ساختار نظام اداره شهر- منطقه ها در عصر جهانی شدن، چارچوبی پیشنهادی و ممکن برای حکمروایی کلانشهری در عصر جهانی شدن متکی بر رویکرد حکمروایی خوب ارائه گردد. همچنین تلاش می شود تا فرصت ها و چالش های تحقق چارچوب مزبور در شهر- منطقه تهران به تحلیل گذارده شود.

با وجود آنکه از کاربرد مفهوم «جهانی شدن»، بیش از چند دهه نمی گذرد، اما این مفهوم و تاثیرات آن همچنان به طور فزاینده ای در کانون اغلب بحث های سیاسی، اقتصادی و جامعه شناختی قرار دارد. پژوهش درباره جهانی شدن و شهر نیز از سال های پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی به این سو پیشرفت قابل توجهی کرده و جهان شمولی تدریجی پدیده شهرنشینی در قرن حاضر با پدیده های به نام جهانی شدن همراه شده است. برای بسیاری این سوال مطرح است که شهرهای آینده عصر جهانی شدن چه هویتی پیدا می کنند و چه ساز و کارهایی برای برنامه ریزی و مدیریت این شهرها باید مورد توجه قرار گیرند تا ضمن همگرایی

۱. روش تحقیق

توسعه یافته متمرکز بوده اند و از این رو محققان مختلفی (مانند Robinson, 2006; Kim and Short, 2008; Smith, 2003) بر ضرورت پژوهش های بیشتر در مورد شهرهای جهان سوم و تغییر تمرکز پژوهش ها از شهرهای جهان توسعه یافته تاکید دارند. اگرچه برخی از محققان نیز (Grant and Nijman, 2002; Grant and Short, 2002; Gugler, 2004; Keyder, 2005; Logan, 2002; Roberts, 2005; Segbers, 2007; Ward, 1998) به بررسی و تحلیل اثرات جهانی شدن روی شهرهای اصلی جهان در حال توسعه پرداخته اند.

علی رغم وجود سوابق متعدد در ارتباط با ابعاد مختلف جهانی شدن و نیز رابطه شهر و جهانی شدن در جهان، در ایران سابقه چندانی در ارتباط با پژوهش در زمینه شهر و جهانی شدن و سایر ابعاد مورد طرح در این زمینه به ویژه در حوزه مدیریت و حکمروایی شهری، وجود ندارد. اما از این میان باید پژوهش های انجام شده توسط فریادی (۱۳۸۱)، تاجبخش (۱۳۸۵: ۱۳۸۴)، معرفت (Marefat, 2004)، احمدی ترشیزی (۱۳۸۴)، شورت (Short, 2004)، محمدی (۱۳۹۰) و مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۰) یاد کرد. در این شرایط با وجود برخی فعالیت های موردی انجام شده در باب موضوع جهانی شدن و شهر ایرانی، سوابق مطالعاتی فوق همچنان ناکافی به نظر می رسند و هیچ گونه جمع بندی خاصی برای بهره برداری سیاستگذاران ارائه نشده است.

۳. جهانی شدن و شهر

مفهوم جهانی شدن از نیمه دهه ۱۹۸۰ به مثابه یک بحث علمی جدی مورد توجه و مطالعه محققان قرار گرفته است (Robertson, 1996, 8). به نظر می رسد مقاله حاضر ناچار است تا برپایه تعاریف ارائه شده توسط محققان مختلف چون (استیگلیتز، ۱۳۸۷؛ تاملینسون، ۱۳۸۱؛ شورت و کیم، ۱۳۸۴؛

در پژوهشی که بنیان اصلی این مقاله را تشکیل می دهد، در بخش شناخت ابعاد نظری، از روش تحلیل داده های ثانویه و در بخش شناخت و تحلیل شهر- منطقه تهران از روش تحلیل داده های ثانویه^۱ و روش فراتحلیل^۲ - که برخی آن را ارزشیابی پژوهش های گذشته می دانند- استفاده شده است.

همچنین با توجه به گونه شناسی های متداول (مانند بیکر ۱۳۸۸؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶؛ گیدنز، ۱۳۷۸) که تحقیق را بر حسب هدف به سه نوع تحقیق «توصیفی^۳»، تحقیق «تبیینی^۴» و تحقیق «اکتشافی^۵» تقسیم می نماید، این پژوهش دارای ماهیت تبیینی خواهد بود چراکه هدف پژوهشی که اساس مقاله حاضر را شکل می دهد، به آزمون گذاردن چارچوب نظری و تبیین روابط علی و معلولی موجود بین چند متغیر انتخابی بر اساس آن چارچوب مرجع است. می توان پذیرفت که پژوهش حاضر در زمینه شرایط حکمروایی کلانشهری در عصر جهانی شدن به دنبال عرصه های ناشناخته این پدیده است بنابراین می تواند دارای ماهیت اکتشافی نیز تلقی شود.

۲. پیشینه پژوهش

از پایان دهه ۸۰ میلادی بدین سو، مطالعه در زمینه پیوند شهر و جهانی شدن با تحولی جدی مواجه شده است. شهرهای جدید عصر جهانی شدن با عناوین مختلفی مانند جهان شهر^۶، شهر اطلاعاتی^۷، شهر- دنیا^۸ و شهر جهانی^۹ مورد توجه قرار گرفته اند و در ابعاد مختلف این موضوع پژوهش های متعددی به ویژه توسط افرادی چون ساسن (Sassen, 2001)، تیلور و همکارانش (Beaverstock, Taylor and Smith, 1999)، فریدمن و ولف (Friedmann and Wolf, 1982)، کستلز (Castells, 1989)، شورت (شورت و کیم، ۱۳۸۴؛ Short, 2004) و دیگران صورت پذیرفته است.

با این حال، این پژوهش ها بیشتر بر شهرهای جهان

برای جذب سرمایه های سیال در گردش عصر جهانی شدن تاکید دارند و ارتقای سطح رقابت پذیری شهری یا نیاز به افزایش توان رقابت، در صدر اهداف بسیاری از مداخلات کالبدی در شهرها قرار گرفته و ایجاد محیط‌های امن و جذاب برای جذب سرمایه‌گذاران، کارگزاران و جهانگردان (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۲۶۹) و نیز بازگشت زیبایی به شهر به عنوان نشانه ای برای بازگشت سرمایه (Boyer, 1990) در دستور کار قرار دارد.

در زمینه تاثیرات فرهنگی جهانی شدن بر شهرها، علی رغم همه نگرانی‌های موجود، «حضور پررنگ ویژگی‌های فرهنگ سنتی و بومی در سراسر جهان، اذعان این امر را مشکل نموده که ادعا کنیم جهان از نظر فرهنگی همگون شده است» (شورت و کیم، ۱۳۸۴، ۱۲۴-۱۲۳). افزایش جریان‌های فرهنگی فراملی، شهرهای بزرگ را قادر ساخته تا الگوهای فرهنگی متنوعی را از سراسر جهان تجربه کنند.

با وجود پژوهش‌های متعدد انجام شده در زمینه تاثیر جهانی شدن بر سازمان فضایی و محیط کالبدی شهر در محورهای موضوعی مختلفی چون شکل شهر (Pizarro et al, 2003; Dick and Rimmer, 1998)، فضاهای عمومی و باز شهری (Cybriwsky, 1999; Douglass & Haung, 2007; Marcus, 1995; Thompson, 2002; Smithsimon and Binder, 2006)، تحقیقات همچنان در مراحل بطئی به سر می‌برند. با این وجود عواملی چون جهانی شدن صنعت توسعه و عمران، برخورد با محیط مصنوع به مثابه یک کالا (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۲۰۹-۲۰۷)، سبب نگرانی‌هایی در زمینه شکل‌گیری چشم‌اندازهای یکسان در سراسر جهان و تحت تاثیر قرار گرفتن شیوه‌های بومی (خودی) معماری و طراحی شهری شده است. از این رو به نظر می‌رسد «مبتنی بر رویکرد جهانی - محلی شدن و برای پیوند منطقی فضای جریان‌ها (جهانی) و فضای مکان‌ها (محلی) باید بر محلی ماندن مکان‌ها تاکید نمود» (فریادی، ۱۳۸۲، ۳۴-۳۱).

۴. حکمروایی کلانشهری و تحلیل ابعاد تاثیرات جهانی شدن بر آن

حکمروایی^{۱۶} از نظر گاس، مفهومی برای تشریح شکل جدیدی از تصمیم‌گیری جمعی در سطح محلی است که به توسعه روابط مختلف، نه تنها میان عوامل و بنگاه‌های عمرمی بلکه میان شهروندان و بنگاه‌های عمرمی می‌انجامد (Goss, 2001, 11). به اعتقاد راکودی، جوهره حکمروایی وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیرحکومتی است (Rakodi, 2003, 4-523). به هر ترتیب حکمروایی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیایی انسانی تبدیل شده است و به بیانی دیگر، حکمروایی را می‌توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش عمومی

ساسن، ۱۳۸۹؛ Waters, 1995; Fukuyama, 1992; Castles and Davidson, 1992) به ارائه تعریفی تلفیقی، به بررسی تاثیرات جهانی شدن بر حکمروایی کلانشهری بپردازد: «جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشرده‌گی زمان و مکان (فضا) که در نتیجه آن شهروندان سراسر جهان به شیوه ای که تاحدی آگاهانه است در جامعه واحد جهانی ادغام شده و در چارچوبی از پیوند امور محلی به امور جهانی با کاهش یا از بین رفتن بسیاری از محدودیت‌های موجود سیاسی و جغرافیایی و نیز مرزهای مصنوعی و ناتواسته موجود در روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌گردند».

تحلیل ابعاد مختلف جهانی شدن و تاثیرات آن توسط محققان مختلف در حوزه های مختلف، نشان دهنده چهار بعد اصلی جهانی شدن است: «جهانی شدن فرهنگی - اجتماعی» (Cas-tells, 1996, 1997, 1998; Hall, 1992; Lash and Urry, 1994, Friedman, 1995; Robertson, 1992)، «جهانی شدن اقتصادی» (اسدیگلینز، ۱۳۸۷؛ Hirst and Castles and Davidson, 2000)، «جهانی شدن سیاسی» (شورت و کیم، ۱۳۸۴؛ Panitch, 1996; Gill, 1996; Mittleman, 2000؛ Sassen, 1996; Hirst and Tompson, 1999; Held, 1995; Faulks, 2000; Albrow, 1997; Krasner, 2004; Fligstein, 2001; Evans, 1997) و «جهانی شدن حقوق و رویه‌های قانونی» (سلسن، ۱۳۸۸؛ سیکلیتز، ۱۳۸۷؛ Chinkin, 1998; Dasgupta, 2003; Hamner, 2002). که تحلیل هر یک از این ابعاد نشان دهنده اهمیت یافتن مفاهیم و رویکردهای نوینی از یکسو و نگرانی‌ها و فرصت‌های برخاسته از آن از سوی دیگر است.

از سویی دیگر، پدیده جهانی شدن، با جهانشمولی شهرنشینی در جهان همراه بوده و از آنجا که آثار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر شهرها، سایر حوزه های زندگی شهری نظیر زندگی اجتماعی، سازمان فضایی و ترکیب جمعیتی شهرها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (UNHSP, 2004, 19-25; Healey, 1995, 276-277)، موضوع جهانی شدن، ادبیات نظری مطالعات شهری را در سال‌های اخیر به طور جدی تحت قرار داده است. همچنین طرح مفهوم شهرجهانی (Friedmann and Wolf, 1982; Castells, 1989; Sassen, 2001; Short, 2004) و شناسایی منافع مرتبط با این شهرها، سبب شده است تا بسیاری از دولت‌های ملی و نیز حکومت‌های شهری، در راستای تقویت موقعیت شهرهای خود به عنوان شهرهای جهانی تلاش نمایند. در حوزه تاثیرات اقتصادی جهانی شدن بر شهرها، ادبیات اقتصاد شهری با تحولات متعددی روبرو بوده و با ابداع مفاهیم و رویکردهای متعددی چون رقابت‌پذیری شهری^{۱۷} (Kim and Haid, 2006; Short, 2008; Weihao et al, 1992) در توصیف رقابت شدید بین شهرها، ماشین رشد شهری^{۱۸} (Logan and Molotch, 1987)، رژیم‌های شهری^{۱۹} (Stone, 1989)، شهر کارآفرین^{۲۰} (Harvey, 1989a; Hall and Hub-bard, 1998)، جنگ‌های مکانی (Haider, 1991) و غیره همراه شده است. تمامی این موارد بر ضرورت ارتقای توان رقابت شهرها

مشارکت سیاسی مرتبط با عصر جهانی شدن بهره برد. در این مسیر نحوه مواجهه با چالش توسعه پایدار به ویژه در حوزه حفظ و ارتقای زیست پذیری و عدالت فضایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اکنون مبتنی بر تأثیرات فوق و الزاماتی که برای حکمروایی کلانشهری در شرایط نوین جهانی وجود دارد، می‌توان چارچوبی برای حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن ارائه نمود. ارائه این چارچوب، در واقع به منظور تسری پیوند ابعاد حکمروایی خوب و حکمروایی خوب شهری به مقیاس شهر- منطقه‌ها یا مناطق کلانشهری صورت می‌گیرد. این چارچوب می‌تواند ابزار مساعدی به منظور تحلیل و بهره برداری بهینه فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلانشهری در عصر جهانی شدن فراهم آورد.

جدول ۱ ابعاد تأثیرات جهانی شدن بر حکمروایی کلانشهری

ابعاد تأثیرات	وجود تأثیرات و اقدامات
۱- شکل‌گیری بازیکران و گونه‌های نوین مشارکت سیاسی	۱-۱ نقش نهادهای فراملی در حکمروایی جهانی ۲-۱ دیپلماسی شهری ۳-۱ شهروندی جهانی ۴-۱ توسعه دموکراسی محلی ۵-۱ افزوده شدن بازیگران نوینی چون سازمان‌های مردم‌نهاد، قومیت‌های بومی، مهاجران و پناهندهگان ۶-۱ زنان به عنوان کنشگران سیاسی و مدنی نوین عصر جهانی شدن
۲- تحول در حکمروایی شهری تحت تأثیر اهمیت یافتن رویکرد رقابت پذیری شهری	۱-۲ اهمیت دادن به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری آن ۲-۲ ایجاد ظرفیتهای نهادی و انسانی برای توسعه اقتصاد شهری ۳-۲ مشارکت دادن رهبران محلی ۴-۲ طراحی ابزارهای مبتکرانه تأمین مالی توسعه اقتصادی ۵-۲ تسهیل محیط کسب و کار و اقدامات انگیزشی برای جذب سرمایه ۶-۲ یکپارچگی برنامه‌های توسعه اقتصاد شهری با برنامه‌های کاربری ارضی ۷-۲ اهمیت به کیفیت محیطی، توسعه زیرساختها و خدمات ۸-۲ هماهنگی برنامه‌های توسعه اقتصادی شهرها با سایر برنامه‌ها ۹-۲ توجه برنامه‌های توسعه اقتصاد شهری به محلات شهری ۱۰-۲ توجه به بازاریابی شهری و برندسازی شهری ۱۱-۲ وضع قوانین و مقررات ویژه
۳- فزونی یافتن ضرورت تجدید ساختار و تجدید مقیاس در حکمروایی سرزمین	۱-۳ شکل‌گیری گونه‌های تازه‌ای از قدرت و سیاست در سطح فراملی ۲-۳ کاهش قدرت در سطح ملی ۳-۳ تبدیل شهرها به مهم‌ترین فضای جغرافیای راهبردی عصر جهانی شدن ۴-۳ اهمیت یافتن تمرکز زدایی مالی و اناری ۵-۳ شکل‌گیری حکومت‌های منطقه‌ای ۶-۳ گرایش فزاینده به ساز و کارهای حکمروایی فراملی
۴- اهمیت یافتن توسعه پایدار با تأکید بر زیست پذیری و عدالت فضایی در شهر-منطقه	۱-۴ پیگیری توسعه پایدار از سطوح ملی تا جهانی (تفکر محلی و عمل جهانی) ۲-۴ فزونی یافتن اهمیت توزیع عادلانه امکانات، تسهیلات و خدمات در سطح سرزمین (به ویژه مناطق کلانشهری) به منظور جلوگیری از تشدید نابرابریهای درون و میان منطقه‌ای تحت تأثیر جهانی شدن ۳-۴ ضرورت مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی جهانی ۴-۴ اهمیت یافتن حفظ و ارتقاء دایمی کیفیت محیطی و کیفیت زندگی شهروندان به موازات ارتقاء سطح اقتصادی و رقابت پذیری مناطق شهری

۵. چارچوبی برای حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن

چارچوب پیشنهادی حکمروایی کلانشهری خوب در مقاله حاضر- به عنوان نتیجه‌ای از مطالعات انجام شده و نیز یکی از چندین چارچوب ممکن قابل ارائه- آن‌گونه که نمودار ۱

و خصوصی در سایه یکدیگر محو می‌شوند (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸، ۱۸۸). با چنین رویکردی، معیارهای حکمروایی خوب^{۱۱} از سوی تعدادی از سازمان‌های توسعه و صاحب‌نظران ارائه شده است. از نظر بانک جهانی، حکمروایی خوب شامل اداره کارآمد، باصلاحیت و کفایت و نیز حکومت شهری مشروع، منتخب و دمکراتیک است.

از سویی دیگر، موضوع حکومت و حکمروایی شهر- منطقه‌ها^{۱۲} یا مناطق کلانشهری^{۱۳} قدمتی تقریباً برابر با شکل‌گیری چنین هویت‌های فضایی در پهنه سرزمین دارد. تفرق^{۱۴} و پیچیدگی عملکردی و فضایی-کالبدی به عنوان بخشی از خصلت‌های ذاتی مناطق کلانشهری، محققانی چون جان فریدمن را به ضرورت استقرار یک چارچوب نهادی و سیستم حکومتی کارآمد، رهنمون ساخته است (Scott, 2001). ویژگی‌های فوق، ابعاد و حقایق جدیدی در نظام جدید برنامه ریزی و مدیریت سکونت‌گاهی مطرح ساخته اند که بخشی از آنها در حوزه حکمروایی کلانشهری دنبال می‌شود.

با چنین تعبیری، مقصود از حکمروایی کلانشهری، ایجاد انواع منعطف ترتیبات مختلف برای همکاری هدف‌مدار در مناطق کلان شهری است که دربرگیرنده شهرداری‌ها، عوامل حکومتی در سطوح مختلف و نیز بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی است. زیرا مناطق کلانشهری مجموعه‌ای بسیار ناهمگن و غیرمتجانس از بازیگران و عوامل مختلف از زمینه‌های متنوع و با صلاحیت‌ها و توانایی‌های قانونی متفاوت است که می‌توانند سیاستگذاری عمومی مناطق کلانشهری را به گونه‌ای نسبتاً مستقل از مرزهای سرزمین، نهادها و سازمان‌های محلی شکل می‌دهند. چنین مکانیزم‌های شبه‌شبکه‌ای از حکمروایی، در حال حاضر، به عنوان اصلی‌ترین پایگاه سیاستگذاری کلانشهری عمل می‌کنند و معمولاً به عنوان ابزاری مؤثر برای برخورد با مسائل کلانشهری قلمداد می‌شوند (بصیرت، ۱۳۸۵، ۳۵). مرور متون مرتبط با انواع منطقه‌گرایی کلان شهری (Sybert, 1999; Walke, 1999; Miller, 2002; Barlow, 1991) نیز حاکی از وجود انواع و اشکال مختلفی از منطقه‌گرایی کلان شهری است که از توضیح بیشتر پیرامون آن صرف نظر می‌شود.

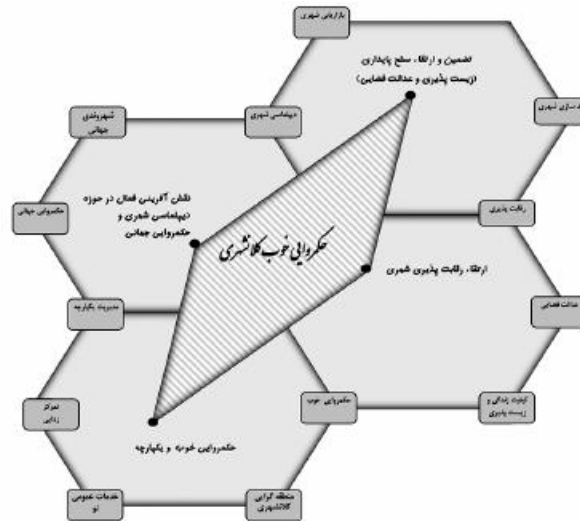
مطابق با یافته‌های این مطالعه و مبتنی بر ابعاد مختلف تأثیر جهانی شدن بر شهرمنطقه‌ها، در عصر جهانی شدن حکمروایی کلانشهری تحت تأثیر ابعاد مختلفی قرار خواهد گرفت که چهار بعد ۱- شهروندی جهانی، ۲- دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی، ۳- تجدید ساختار و تجدید مقیاس و ۴- خدمات عمومی نوین به عنوان شاخصه‌های این ابعاد قابل طرح هستند. بدین ترتیب ابعاد تأثیرات جهانی شدن بر حکمروایی کلانشهری را می‌توان به شرح جدول ۱ خلاصه نمود.

جدول فوق بدان معنا است که با توجه به تأثیرات و الزامات برخاسته از جریان جهانی شدن، ضروری است تا حکمروایی کلانشهری به سوی چارچوبی متناسب با ضرورت پیگیری سیاست‌های ارتقای رقابت‌پذیری شهری، تجدید ساختار و تجدید مقیاس حرکت نماید و در این مسیر از بازیگران و گونه‌های نوین

تحقق حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن تنظیم شده است.

اصول این چارچوب پیشنهادی مبتنی بر مجموعه ای از رویکردهای نظری پشتیبان است که در جدول ۲ بدانها اشاره شده است:

نشان می‌دهد، مبتنی بر چهار اصل هنجاری ۱- ارتقای سطح رقابت پذیری شهری، ۲- نقش آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی، ۳- ارتقای سطح زیست پذیری و عدالت فضایی و ۴- حکمروایی کلانشهری خوب و یکپارچه است که مبتنی بر مجموعه ای از رویکردهای نظری پشتیبان، به منظور



نمودار ۱ چارچوب حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن.

جدول ۲ اصول هنجاری چارچوب حکمروایی کلانشهری خوب و رویکردهای نظری پشتیبان آن.

اصول هنجاری	رویکردهای نظری پشتیبان
شهرهای جهانی	شهر جهانی / جهانشهرها <i>Sassen, 2001; Short, 2004; Beavertock, Taylor and Smith, 1999; Friedmann and Wolf, 1982; Castells, 1989;</i> جهانی شدن و شهرهای جهان در حال توسعه <i>Grant and Nijman, 2002; Grant and Short, 2002; Gugler, 2004; Keyder, 2005; Logan, 2002; Roberts, 2005; Segbers, 2007; Ward, 1998; Robinson, 2006; Kim and Short, 2008; Smith, 2003</i>
ارتقاء سطح رقابت پذیری شهری	رقابت پذیری ملی <i>Porter, 1990; Freudenberg, 2003; Sanjaya, 2001; Onseia et al., 2007</i> رقابت پذیری شهری <i>Borja and castells, 1997; Kim and Short, 2008; Haider, 1991</i>
برندسازی شهری	بازاریابی مکان (شهری) <i>Lever, 1997; Kotler et al. 2002a; Kotler & Gertner 2002; Ashworth & Voogd, 1994</i>
شهر خلاق و شهر کارآفرین	<i>Kim and Short, 2008; Hansen et al, 2001; Florida, 1995; Simmie, 1997; Hansen et al, 2001; Florida, 1995; Simmie, 1997; Hall and Hubbard, 1998</i>
نقش آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی	دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی <i>Cooper, Hocking and Male, 2008; Commission on Global Governance, 1995; Birnie and Boyle, 2002; Celarius and Ellis, 2005; citydiplomacy, 2008, CPD, 2011, Musch et al., 2008</i>
شهر و زندگی و زیست پذیری	شهر و زندگی جهانی <i>Faulks, 2000; Castles and Davidson, 2000; Habermas, 1996; Held, 1992; 1995</i>
ارتقاء سطح عدالت فضایی	کیفیت زندگی و زیست پذیری <i>Babus, 2004; Massam, 2002; Pacione, 2002</i> عدالت اجتماعی: هاروی، ۱۳۷۶ شهر عدالت محور: <i>Fainstein, 2010</i> عدالت فضایی: <i>Soja, 2006; Prange, 2009; Dufaux, 2008; Liao, et al., 2009; Tsou et al., 2005</i>
حکمروایی کلانشهری خوب و یکپارچه	منطقه کرایبی کلانشهری (حکمروایی کلانشهری) <i>Heinelt and Kubler, 2005; Henton, 2001 : 391; Miller, 2002, 90-91; Barlow, 1991; Savitch & Vogel, 2000; Hamilton, 1989; Friedmann and et al, 2004</i> مدیریت (حکمروایی) یکپارچه <i>Chakrabarty, 2001; McGil, 1998; Wong et al, 2000</i> خدمات عمومی نوین <i>Bouckaert, 2003; Glaser, 1999;</i> کرایش جهانی به تمرکز زدایی <i>Dillinger, 1994; Jun and Wright, 1996; Sren, 2003a; Savitch, 1998; Savitch and Kantor, 2003; Borja and Castells, 1997; Knox, 1997; Keating, 2001; Hambleton, Savitch, and Stewart, 2002, Borja and Castells, 1997</i>
حکمروایی خوب	حکمروایی خوب <i>Rakodi, 2003; Goss, 2001; UN-HABITAT, 2006, Goss, 2001, World Bank, 2005</i>

در قلمروهای فراملی باشد. همچنین تهران از جهت تولید ناخالص داخلی رتبه پنجاه و ششم و با لحاظ کردن جمعیت منطقه شهری، رتبه بیست و نهم را در بین شهرهای دنیا دارا است.^۴

از حدود چهار دهه پیش، عوامل مختلفی موجب توسعه فیزیکی شهر تهران و افزایش روابط و پیوندهای آن با منطقه پیرامونی خود شده و به تدریج منطقه عملکردی یا مجموعه شهری تهران {بر اساس تعاریف قانونی} را شکل داده است. برخی از این عوامل عبارتند از: افزایش طبیعی جمعیت، افزایش مهاجرت از روستاها و شهرها به تهران، تصویب طرح جامع تهران و افزایش قیمت زمین در داخل محدوده طرح و در نتیجه اسکان اقشار کم درآمد در اراضی پیرامونی، اعمال محدودیت‌هایی در زمینه استقرار صنایع و کارخانه‌ها در قلمرو بلافاصله شهر و نظایر آن. عوامل فوق موجب افزایش و پخش جمعیت و فعالیت و گسترش قلمرو منطقه کلان شهری تهران شده است (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴). به این ترتیب در حالی که در سال ۱۳۴۵ شهر تهران با جمعیت حدود ۲٫۷ میلیون نفر نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت شهر - منطقه تهران را به خود اختصاص می‌داد، در سال ۱۳۸۴ و با افزایش جمعیت شهر تهران به بیش از هفت میلیون نفر این نسبت به ۶۰ درصد کاهش یافته است (احمدآخوندی و همکاران، ۱۳۸۶، ۶). این به مفهوم توزیع بیشتر جمعیت و فعالیت در گستره‌ای وسیع‌تر از کلانشهر مرکزی و تقویت منطقه کلانشهری (عملکردی) تهران است. محدوده منطقه کلان شهری تهران، دربرگیرنده استان های تهران (به استثنای شهرستان فیروزکوه) و البرز است و مطابق با اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، شامل ۱۲ شهرستان^۵ و ۴۹ شهر بوده است. به گواه مطالعات صورت گرفته ی اخیر (حاجی‌پور، ۱۳۸۷؛ احمدآخوندی و همکاران، ۱۳۸۶؛ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴؛ پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲)، تثبیت واقعیتهای به نام منطقه کلانشهری تهران یا شهر - منطقه تهران اکنون امری غیرقابل انکار است، اما در زمینه برنامه ریزی و مدیریت این منطقه، اقدام جدی صورت نگرفته است و همچنان از تفرق سیاسی و عملکردی رنج می‌برد.

از سویی دیگر بر اساس معدود مطالعات صورت گرفته (Schäfer, 2004; Marefat, 2004; Beaverstock, Taylor and; Smith, 1999 Short, 2004) تهران اگرچه از نظر برخی معیارها (به ویژه معیارهای جمعیتی) از شواهدی از شکل‌گیری شهرهای جهانی برخوردار است و می‌تواند با منظور نمودن تحولاتی در سطح نظام مالی، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی کلان کشور به آماده‌سازی خود برای مواجهه فعال با جریان جهانی شدن بپردازد، اما دارای فاصله قابل توجهی با منزلت شهر جهانی است و به دلیل مقاومت ناشی از موانع ایدئولوژیک در برابر پذیرش بیشتر عملکردهای بازار سرمایه داری یا "غربی" و مهم‌تر از آن، پیامدهای این پذیرش، در خارج از شبکه شهرهای جهانی قرار گرفته است (Short, 2004).

جایگاه تهران از منظر رتبه بندی شاخص رقابت‌پذیری شهری (GUCI)^۶ نیز با این ارزیابی‌ها سازگار است؛ چرا که

این چارچوب پیشنهاد می‌نماید که نظام حکمروایی کلانشهری در عصر جهانی شدن، ضمن پیگیری ابعاد هنجاری حکمروایی کلانشهری خوب و یکپارچه، ارتقای رقابت‌پذیری شهر - منطقه‌ها را به عنوان مأموریت ویژه خود در عصر جهانی شدن مورد پیگیری قرار دهد. همچنین با توجه به الزامات حاکم در عصر جهانی شدن، چارچوب فوق، نقش آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی را به عنوان دیگر مأموریت ویژه نظام حکمروایی کلانشهری پیشنهاد می‌دهد. همچنین با توجه به نگرانی‌های فزاینده موجود که در زمینه گسترش ارتباطات فراملی و نیز تأثیرات سرمایه های در گردش جهانی بر جوامع محلی، این چارچوب، ارتقای سطح زیست‌پذیری و عدالت فضایی را به عنوان یکی از اصول هنجاری خود پیشنهاد می‌دهد. بدیهی است که چارچوب مزبور از چالش تفرق سیاسی و عملکردی حاکم بر شهر - منطقه‌ها نیز غافل نبوده و از این رو، حکمروایی یکپارچه^۷ را به عنوان مأموریت ذاتی خود و جهت فائق آمدن بر این چالش‌ها پیگیری می‌نماید. ضمن آنکه اصول حکمروایی خوب، در کانون توجه این چارچوب قرار دارد.

۶. تهران و جایگاه آن در نظام شهرهای جهانی

شهر تهران به عنوان پایتخت ایران و بزرگ‌ترین شهر کشور، بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، قریب ۱۱٫۵٪ جمعیت کشور، ۲۴٪ جمعیت با تحصیلات عالی کشور، ۲۶٪ تولید ناخالص ملی، ۱۴٪ بودجه عمرانی کشور، ۲۶٫۵٪ بودجه جاری دولت، ۲۸٪ امکانات فرهنگی و آموزشی و ۲۶٪ امکانات درمانی کشور را در خود جای داده و همچنان از جذابیت قابل توجه در جریان های مهاجرت ملی برخوردار است.^۸ تهران، بزرگ‌ترین محل تمرکز کلیه اشکال فعالیت اقتصادی کشور است و با وجود مرکزیت سیاسی و تاریخی به دلیل برخورداری از شاخص های بهتر اقتصادی مهم‌ترین کانون اقتصادی کشور به شمار می‌آید. استقرار مکان‌های فعالیت برتر و راهبر صنعتی، خدماتی، بازرگانی، نظامی و بازار گسترده مصرف و تولید از مجموعه عواملی است که این واقعیت را عیان می‌سازد. این کلانشهر با انبوه نیازها و مسائل جاری و عمرانی خود، توسط حدود ۲۵ سازمان و نهاد دولتی یا عمومی هدایت می‌شود که در این میان شهرداری تهران متولی اصلی ساماندهی مسائل شهر است. تهران حداقل از نظر جمعیتی یکی از مناطق کلانشهری مهم آسیا، خاورمیانه و حتی جهان محسوب می‌شود به گونه ای که شهر - منطقه تهران با احتساب جمعیت ۸٫۲ میلیون نفری کلانشهر تهران (مطابق با آمار ۱۳۸۵)، ۲۸ امین تجمع شهری^۹ بزرگ جهان محسوب می‌شود و با احتساب جمعیت ۱۳٫۲۵ میلیون نفری مجموعه شهری تهران (۱۳۸۵)، در زمره پانزده تجمع شهری بزرگ جهان قرار خواهد گرفت (UN, 2007). اگرچه به نظر می‌رسد انجام مطالعات دقیق‌تر در زمینه تبیین جایگاه تهران در سایر ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) شاید بتواند موید نقش مهم تهران

جدول ۳ تحلیل راهبردی وضعیت موجود اداره شهر منطقه تهران

نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها
- تعیین قلمرو مجموعه شهری تهران و به رسمیت شناختن آن در مصوبات هیات وزیران و به دنبال آن تعیین حوزه‌های شهری	- تداخل قلمرو های سیاسی و مدیریتی در منطقه کلان شهری تهران و تداوم افزایش تعداد قلمروهای حکومتی	- توجه برخی از اسناد برنامه ای و قانونی کشور به موضوع مجموعه های شهری (از ۱۳۷۴ بدین سو) - روندهای جهانی مبتنی بر مدیریت قلمروهای سرمایشی مبتنی بر اصول حکمروایی خوب	- بی توجهی اغلب برنامه های ملی به شکل گیری مجموعه شهری تهران - تداوم تمرکزگرایی شدیدآموز در کشور و استقلال عمل دولت از جامعه تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی (تقسیمات سیاسی) و قلمروهای مدیریت شهری
- توفیق نسبی برخی از قوانین و مقررات در کنترل و هدایت رشد و توسعه شهری	- مشارکت عمومی در تصمیم گیری و اجرا - عدم تعادل در سرکه درآمدی شهرداریهای واقع در منطقه کلان	- وجود سوابق و تجارب گسترده جهانی در حوزه مدیریت مناطق کلانشهری	- عدم انسجام و فقدان نظم حقوقی در قوانین و مقررات مربوط به کنترل و هدایت توسعه شهری در مجموعه های شهری - عدم انطباق تقسیمات سیاسی با سازمان فضایی منطقه عملکردی تهران
- تهیه و تصویب طرح مجموعه شهری تهران و پیشنهاد تاسیس واحد هماهنگی مدیریت مجموعه شهری برای آن	- شهرداریهای واقع در منطقه کلان شهری تهران (به طور خاص بین شهری تهران مرکز شهرداری مرکز با پیرامون) - وابستگی شدید شهرداریها به درآمد های نا پایدار و ناسالم و درآمدهای ناشی از ساخت و ساز	- ظرفیت اقتصادی مناسب منطقه کلان شهری تهران برای تامین منابع درآمدی مدیریت منطقه - وجود سوابق محدود از برخی ساز و کارهای نهادی برای مدیریت فراشهری (منطقه ای و استانی) و همچنین اداره منطقه کلان شهری تهران (مانند شورای نظارت بر گسترش شهر تهران)	- مجموعه های شهری شهری تهران، ۱۳۸۶؛ مرکز پور و بصیرت، ۱۳۸۹؛ کاظمیان و پرهیزگار، ۱۳۸۴؛ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴؛ پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲، اسدی، ۱۳۸۹) نیز تاکید دارند، فاقد ساز و کار مطلوب هماهنگی، همکاری و همیاری ^{۲۸} یا حکمروایی یکپارچه کلانشهری در سطح منطقه کلانشهری تهران است و از این رو با چالش‌های متعددی از جمله تفرق سیاسی، تفرق عملکردی، ضعف مشارکت عمومی، ضعف منابع مدیریتی و غیره مواجه است. برپایه مطالعات مزبور، مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدها و نیز نقاط قوت و ضعف اداره شهر-منطقه تهران را می‌توان به شرح تحلیل راهبردی مندرج در جدول ۳ خلاصه نمود:

مآخذ: (جمع بندی مقاله حاضر برپایه ای: احمدآخوندی و همکاران، ۱۳۸۶؛ مرکز پور و بصیرت، ۱۳۸۹؛ کاظمیان و پرهیزگار، ۱۳۸۴؛ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴؛ پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲ و اسدی، ۱۳۸۹)

و مبتنی بر اصول مشر و عیت، شفافیت و پاسخگویی
- تلاش جهت خلق محیط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
کالبدی مناسبی برای زندگی، کار و جذب سرمایه‌گذاری های
منطقه ای و بین‌المللی

- تلاش جهت برقراری برابری و عدالت منطقه ای
اکنون برپایه این جمع بندی که تهران شهری جهانی محسوب
نمی‌شود و نیز با عنایت به ابعاد تحلیل راهبردی مبتنی بر مطالعات
مختلف مورد استناد و مطابق با نتایج اصلی تحلیل تلفیقی انجام
شده در پژوهش حاضر، مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش
روی حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن، مبتنی بر
چارچوب پیشنهادی پژوهش حاضر را می‌توان به شرح جدول ۴
خلاصه نمود. جدول مزبور همچنین مهم‌ترین نتایج محتمل حرکت
به سوی تحقق اصول مزبور را بیان می‌دارد:

گزارش شاخص رقابت پذیری شهری (Ni and Kresl, 2010)،
تهران را در رتبه ۳۳۲ ام رقابت پذیری شهری و میان شهرهای
کراچی پاکستان و کلکته هند رتبه بندی می‌نماید. جالب آنکه برخی
رقبای منطقه ای تهران، رتبه های مناسبی در این زمینه دارند^{۲۷}.
شاید به همین جهت باشد که ارتقای سطح رقابت پذیری شهری،
می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مأموریت نظام حکمروایی در شهر-
منطقه تهران مطرح شود.

۷. فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلانشهری در تهران

تهران همانگونه که مطالعات صورت گرفته موجود
(احمدآخوندی و همکاران، ۱۳۸۶؛ مرکز پور و بصیرت، ۱۳۸۹؛
کاظمیان و پرهیزگار، ۱۳۸۴؛ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر
تهران، ۱۳۸۴؛ پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲،
اسدی، ۱۳۸۹) نیز تاکید دارند، فاقد ساز و کار مطلوب هماهنگی،
همکاری و همیاری^{۲۸} یا حکمروایی یکپارچه کلانشهری در سطح
منطقه کلانشهری تهران است و از این رو با چالش‌های متعددی
از جمله تفرق سیاسی، تفرق عملکردی، ضعف مشارکت عمومی،
ضعف منابع مدیریتی و غیره مواجه است. برپایه مطالعات مزبور،
مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدها و نیز نقاط قوت و ضعف اداره
شهر-منطقه تهران را می‌توان به شرح تحلیل راهبردی مندرج در
جدول ۳ خلاصه نمود:

شاید بتوان اینگونه گفت که شهر-منطقه تهران نیازمند چارچوب
از حکمروایی کلانشهری مبتنی بر اصول حکمروایی خوب است
که واجد ظرفیت های لازم و متناسب با جایگاه پایتختی تهران
باشد. مهم‌ترین مختصات چارچوب مطلوب مورد نیاز را می‌توان
شامل موارد زیر خلاصه نمود (کاظمیان و پرهیزگار، ۱۳۸۴؛
مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴؛ پژوهشکده
اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲):

- برخورداری از هماهنگی عمودی بین سطوح ملی- منطقه
ای- محلی، همکاری بین نهاد های حکومتی و همیاری بین نهاد های
حکومتی، عمومی و بخش خصوصی، تشکل های غیردولتی، افراد
و خانوارها به منظور سیاست گذاری ها و تصمیم گیری ها
- برخورداری از دید و بیدش استراتژیک
- شکل گیری به عنوان برآیند کلیه ی نیروها و گروه‌های
ذی‌نفع و ذی‌نفع در اداره منطقه به شیوه ای کاملاً مردم سالارانه

جدول ۴ فرصت‌ها، چالش‌ها و نتایج تحقق چارچوب پیشنهادی حکمروایی کلانشهری شایسته در شهر منطقه تهران

اصول هنجاری چارچوب پیشنهادی	فرصت‌ها	چالش‌ها و موانع	نتایج تحقق اصول پیشنهادی
۱- ارتقاء سطح رقابت پذیری شهری	<ul style="list-style-type: none"> - برخورداری از ۴۵ درصد از تولید ناخالص ملی کشور (با وجود سهم ۱۱ درصدی جمعیت) - تاکید استاد کلان توسعه ملی، منطقه ای و محلی بر ارتقاء نقش ملی و فراملی تهران - برخورداری از جمعیت، نخیکان و نیروی انسانی متخصص (بیش از یک چهارم جمعیت واجد تحصیلات عالی کشور) - برخورداری تهران از زیرساخت‌های شهری مناسب تر در مقایسه با دیگر شهرهای ایران - موقعیت تهران به عنوان پایتخت ایران و تمرکز دواير و مراکز خدمات اداری-مالی در آن - تمرکز مراکز برتر علمی و پژوهشی کشور در تهران - برخورداری از نیروی متخصص ماهر - سهم بالای خدمات از اقتصاد شهر تهران (۷۸ درصد) - جایگاه تهران به عنوان بزرگترین مرکز مدیریت صادرات کشور (محمدی، ۱۳۹۰) - واقع شدن مرکزیت فرماندهی شرکتها و بنگاههای اقتصادی برتر کشور در تهران - نقش مهم تهران در ایجاد رابطه کشورهای منطقه MENA با اقتصاد جهانی (Bassens et al, 2009) - توجه استاد پشتیبان طرح جامع جدید تهران به ارتقاء نقش ملی، منطقه ای و فراملی تهران - برخورداری تهران از بیشترین سهم از بوجه عمومی کشور (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - ضعف بخش خصوصی در ایران و « ضعف سازمانهای خصوصی نیرومند در تولید خدمات در سطح مجموعه شهری تهران» (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴) 	<ul style="list-style-type: none"> - مقاومت ایدئولوژیک نظام سیاسی ملی در برابر جریان جهانی شدن و وجود موانع سیاسی و تحریم های بین المللی به عنوان موانع پیوند با اقتصاد جهانی (تاجبخش، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - ضعف و عدم توسعه بخش خصوصی برای ورود به بازارهای فراملی - فقدان برنامه های لازم جهت شکل گیری شهر چند فرهنگی/فرافرهنگی/بیمان فرهنگی تهران - نقش محدود نهادهای فعال در حوزه مدیریت شهری در سیاستگذاری توسعه اقتصادی و ارتقاء محیط کسب و کار - وجود موانع سیاسی- بوروکراتیک جذب سرمایه گذاری خارجی - ضعف محیط کسب و کار ملی و محلی (مستند به رتبه ۱۲۷ ایران در گزارش ۲۰۱۰ بانک جهانی در میان ۱۸۳ کشور جهان) - پیوند ضعیف تهران در بخش خدمات تولیدی پیشرفته (APS) با شبکه شهرهای جهانی (محمدی، ۱۳۹۰) - فقدان برنامه یا سیاست گذاری لازم جهت خلق محیط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مناسبی برای زندگی، کار و جذب سرمایه گذاری های منطقه ای و بین المللی - وابستگی اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی (افزایش وابستگی بودجه کشور به نفت در سال ۱۳۹۱ از ۴۲٫۲ درصد در قانون سال قبل به ۴۶٫۶ درصد، سهم ۸۰ درصدی صادرات نفت و گاز و سهم ۶۰ درصدی درآمدهای نفتی در سال ۲۰۱۰) - ضعف زیرساخت‌های مرتبط با مراکز رشد و پارکهای علم و فناوری - عقب ماندگی نیروی انسانی شهر در ارتباط با لحاظ تخصص و تحصیلات (تنها ۲۹۸۵ درصد از کارکنان مرتبط با شهرداری تهران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند) - فقدان برنامه مبتنی بر توسعه نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در شهر- منطقه تهران 	<ul style="list-style-type: none"> - جذب سرمایه های سیال جهانی - در نتیجه رشد و توسعه اقتصاد محلی و ملی - ارتقاء سطح رفاه شهروندان - فراهم شدن امکان تغییر مقیاس رقابت سرزمینی از سطح ملی - دستیابی به توسعه اقتصادی دانش بنیان - افزایش سطح اشتغال و توسعه کارآفرینی شهری
۲- نقش آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی	<ul style="list-style-type: none"> - قرار گیری سفارت خانه های خارجی در تهران - استقرار دفتر سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته بدان در تهران - تاکید طرح جامع جدید تهران بر تسهیل استقرار نهادهای ملی و بین المللی - برگزاری اکثر نشست ها و کنفرانس های مهم سیاسی در تهران (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - عضویت تهران با ایران در عمده نهادهای فراملی موثر در حوزه حکمروایی جهانی و دیپلماسی شهری - تاکید چشم انداز بیست ساله کشور بر تعامل تعامل سازنده و موثر با جهان - موقعیت تهران به عنوان قطب زبانی و مذهبی شمار زیادی از کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و نیز یکی از مراکز اصلی سیاسی جهان اسلام و مهم ترین مرکز سیاسی جهان تشیع (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - موقعیت ویژه تهران در مجمع شهرداران آسیایی و سازمان شهرها و حکومت های محلی متحد - موقعیت جغرافیایی تهران به عنوان شاهین ترازی تعادل و ثبات سیاسی منطقه (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) 	<ul style="list-style-type: none"> - تضاد منافع ایران و برخی کشورهای همسایه (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - اثرات تضادم ایران و امریکا بر عضویت و مشارکت فعال ایران در نهادهای حکمروایی جهانی و دیپلماسی شهری - فقدان چارچوب نهادی و اجرایی مشخص در تهران و کشور به منظور همکاری تخصصی یا نهادهای فراملی مرتبط و موثر - فقدان سیاست کلان و پایدار ملی در حوزه همکاری با نهادهای فراملی و وجود نگاههای امنیتی به موضوع - آماده نبودن زیرساخت‌های شهری تهران جهت استقرار مراکز منطقه ای نهادهای فراملی (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۰) - موانع قانونی موجود بر سر راه مشارکت فعال در عرصه حکمروایی جهانی و عدم پذیرش قوانین و رویه های حقوقی جهانی در ایران (مانند کنوانسیون های زیست محیطی، حقوق مالکیت فکری و کپی رایت) 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان پذیر شدن تبادل تجارب و دریافت کمک های فنی و مالی - کاهش تاثیرات نامطلوب تصمیمات، سیاستها و برنامه های نهادهای فراملی بر تهران و کشور - حرکت در یک چارچوب نهادی و سیاستی مشخص در سطح تهران - در عرصه همکاری با سازمانها و نهادهای بین المللی مرتبط - افزایش سطح لابی گری در سازمانهای بین المللی - استفاده از پتانسیل های موجود همکاری های داوطلبانه و رسمی بین المللی به منظور برون رفت از محدودیتهای حاکم بر نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری

<p>نابرابری فضایی حاکم بر شهر تهران و دوگانگی فضایی شمال - جنوب (کریمی، ۱۳۹۰)</p> <p>ساختار فضایی نابرابر در منطقه شهری تهران (دانشپور، ۱۳۸۵) و دوگانگی و نابرابری مرکز-پیرامون (کریمی، ۱۳۹۰)</p> <p>نقشه‌ای فقدان مراکز تولید اطلاعات و مطالعات ملی در حوزه سنخ و بایش کیفیت زندگی شهری</p> <p>پایین بودن شرایط کیفیت زندگی در ایران (مستند در رتبه ۸۸ در پیمایش نشریه اکونومیست^{۲۲} در سال ۲۰۰۵)</p> <p>پایین بودن سطح کیفیت زندگی در تهران (مستند به رتبه ۱۸۸ تهران در شاخص‌های کیفیت زندگی مؤسسه مرسر^{۲۳} ۲۰۱۱-۲۰۱۰)</p> <p>رتبه نامطلوب تهران از منظر امنیت فردی مؤسسه مرسر (رتبه ۱۶۱ در سال ۲۰۰۸)</p>	<p>- رتبه ۷۰ ایران (از بین ۱۶۹ کشور جهان) در شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۰</p> <p>- موقعیت مطلوب ایران در شاخص توسعه انسانی با ۱۰ رتبه پیشرفت نسبت به سال ۲۰۰۵ به عنوان یکی از ۷ کشور دنیا با بیشترین پیشرفت در شاخص توسعه انسانی</p> <p>- کثرت و تعدد قومیت‌ها در تهران (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۱۳۹۰)</p> <p>- که امکان شکل‌گیری شهر چند فرهنگی یا میان فرهنگی را شکل می‌دهد</p> <p>- رتبه ۵۸ ایران در جهان از منظر درآمد سرانه هر ایرانی (قدرت خرید برابر ۱۱۴۹۰ دلار) (مستند به ارزیابی بانک جهانی^{۲۴})</p> <p>- رتبه ۱۹ جهانی تولید ناخالص داخلی ایران (مستند به ارزیابی بانک جهانی^{۲۵})</p>	<p>۳- ارتقاء سطح زیست پذیری و عدالت فضایی</p>
<p>- فائق آمدن بر چالش‌های رویه ای و محتوایی حاکم بر منطقه کلانشهری تهران</p> <p>- افزایش سطح شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری و در نتیجه امکان اتکا به سرمایه اجتماعی تهران در ارتقاء رقابت پذیری شهری و نقش آفرینی در مقیاس فرامی</p> <p>- فائق آمدن بر چالش‌های حاکم بر شهر-منطقه تهران، به ویژه چالش تفرق سیاسی و حکومتی</p> <p>- فراهم شدن امکان محلی کردن امر جهانی و جهانی کردن امر محلی در حوزه حکمروایی</p>	<p>- نوپا بودن سوابق مردم‌سالاری محلی در ایران</p> <p>- ضعف سازو کار های مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و اجرا</p> <p>- نابرابری میان مرکز و پیرامون و از جمله عدم تعادل در سرانه درآمدی شهرداریهای واقع در منطقه کلان شهری تهران</p> <p>- نقش محدود تشکلهای غیر دولتی در اداره شهر- منطقه تهران</p> <p>- تداوم تمرکز گرایی شدید اداره سرزمین در ایران</p> <p>- علی‌رغم تأکیدات برنامه‌ای و قانونی موجود عدم تحقق مدیریت یکپارچه شهری</p> <p>- تفرق سیاسی شدید حاکم بر شهر-منطقه تهران یا بخالت ۲۵ سازمان و نهاد دولتی یا عمومی</p> <p>- عدم تثبیت نقش، اندیشه و عمل تعاونی و همکاری بین نهادی</p> <p>- رتبه نامطلوب ایران (۱۴۶ میان ۱۸۰ کشور) از منظر شاخص احساس فساد^{۲۶} (مطابق با ارزیابی سازمان بین‌المللی شفافیت^{۲۷} در سال ۲۰۱۰)</p>	<p>۴- حکمروایی کلانشهری خوب و یکپارچه</p>

ماخذ: (جمع‌بندی مطالعه حاضر بر پایه منابع مختلف مورد بررسی)

نتیجه

از رعایت عدالت منطقه‌ای و نادیده گرفته نشدن فقر و گروه‌های کم درآمد مورد انتقاد هم بوده است و از این‌رو، توجه به اصول حکمروایی خوب با جهت‌گیری دست‌یابی به پایداری فراگیر شهر- منطقه می‌تواند مدنظر قرار گیرد. به بیانی دیگر، پی‌گیری معیارهای حکمروایی خوب، می‌تواند اطمینان بیشتری از نادیده گرفته نشدن اهداف اجتماعی توسط مدیران و سیاست‌گذاران به هنگام توجه‌فراپنده به ابعادی چون رقابت‌پذیری، کارآفرینی، بازاریابی و برندسازی شهری و توسعه اقتصادی در شهر- منطقه‌ها، فراهم نماید.

بدین سان، در مقاله حاضر، چارچوبی هنجاری از حکمروایی کلانشهری خوب پیشنهاد شد. چارچوبی که ضمن پی‌گیری ابعاد هنجاری حکمروایی خوب، ارتقای رقابت‌پذیری شهری را به عنوان مأموریت ویژه خود در عصر جهانی شدن برگزیده است و ضمن تلاش در زمینه نقش آفرینی فعال در حوزه دیپلماسی شهری و حکمروایی جهانی، به نیاز حکمروایی یکپارچه و خوب شهر- منطقه‌ها به منظور فائق آمدن بر چالش‌های تفرق سیاسی و عملکردی حاکم بر آنها، در جهت ارتقای سطح زیست‌پذیری و عدالت فضایی توجه می‌نماید. روشن است که شرط تحقق چنین چارچوبی، پذیرش ضرورت تجدید ساختار و تغییر مقیاس در حکمروایی قلمرویی، پی‌گیری رویکرد توسعه دموکراسی محلی و تمرکززدایی (در اشکال اداری، سیاسی و مالی)، و پاسخ به اقتضائات عصر جهانی شدن چون تربیت شهروندان جهانی است. با این حال به نظر می‌رسد علی‌رغم برخی تأکیدات برنامه‌ای، در ایران، مواجهه فعال با پدیده جهانی شدن و به ویژه جایگاه موضوع رقابت‌پذیری شهر- منطقه‌ها برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان به خوبی شناخته نشده و ساز و کار خاصی برای بهره‌برداری از توان‌های نهفته این پهنه‌ها در شرایط خاص اقتصاد جهانی شده که

جهانی شدن فرایندی است پیچیده که بر جنبه‌های مختلف زندگی همه مردم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار است و تحت تأثیر این جریان، صاحبان سرمایه‌های سیال بین‌المللی تلاش می‌نمایند، بهترین موقعیت‌ها برای سرمایه‌گذاری را بیابند. طرح مفهوم شهر جهانی و شناسایی منافع مرتبط با این شهرها نیز سبب شده است تا بسیاری از دولت‌های ملی و نیز حکومت‌های شهری، در راستای تقویت موقعیت شهرهای خود به عنوان شهرهای جهانی تلاش نمایند. چراکه هر شهر، منطقه یا کشوری که بتواند توان رقابت خود را میان شهرها و مناطق دیگر که در پی کسب جایگاه شهری در سلسله مراتب جهانی هستند افزایش دهد، موفقیت بیشتری در کسب سرمایه‌گذاری‌ها و به تبع آن افزایش سطح کیفی مکان‌های مرتبط خواهد داشت.

در این شرایط، شهر- منطقه‌ها خواسته یا ناخواسته، چه «جهانی»، «در حال جهانی شدن» و یا «غیر جهانی» باشند، در عصر جهانی شدن اقتصاد، برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های سیال بین‌المللی با یکدیگر در رقابتند و این امر، تحول در رویه‌های سیاست‌گذاری و حکمروایی را به منظور خلق ایجاد محیط‌های امن و مطلوب برای سرمایه‌گذاران ضروری می‌نماید. بر این اساس، جهانی شدن، باعث شکل‌گیری نوعی دگرگونی در حکمروایی کلانشهری و اهمیت یافتن جایگاه نهاد‌های حکمروایی کلانشهری به عنوان کانون‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام به منظور ارتقای سطح رقابت‌پذیری شهر- منطقه‌ها و توسعه اقتصاد محلی و منطقه‌ای شده است.

البته تأثیرات جهانی شدن اقتصادی بر شیوه‌های اداری کلانشهرها و همچنین بر نقش حکومت‌های کلانشهری، در حوزه‌هایی چون اثرات اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی آن و اطمینان

ویژه دارد. شهر-منطقه تهران با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی و بعد جمعیتی خود، در گستره فعال ترین پهنه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منطقه به شمار می رود که با دیگر رقبای منطقه ای خود در رقابتی بسیار دشوار قرار دارد و به نظر می رسد غفلت از آن، منطقه را نه از دایره رقابت بلکه از بقا و دوام دور خواهد داشت. به ویژه آنکه مطابق با مطالعات صورت گرفته، از یکسو، تهران واجد شرایط مطلوبی در نظام شهرهای جهانی نیست و از سوی دیگر، تکنونی ساز و کاری به منظور مدیریت یکپارچه منطقه کلانشهری تهران شکل نگرفته است.

کانون خود را مناطق کلان شهری می یابد، پیش بینی نشده است. حال آنکه، ارتقای سطح رقابت پذیری شهر-منطقه ها، نه یک آرزو و آرمان غیرمحمتمل، بلکه ضرورتی برای تحقق پایداری آنها در مواجهه با فشارهای سیاسی و اقتصادی فرامرزی عصر جهانی شدن است.

بدین ترتیب حداقل در ارتباط با شهر- منطقه تهران که بیش از ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی کشور مربوط به آن است، توجه به این موضوع و بهره برداری از فرصت های ناشی از ارتقای سطح رقابت پذیری در جذب سرمایه های سیال جهانی، اهمیتی

پی نوشت ها

۱۱۷. استانبول ۱۳۶، منامه در میان ۱۵۰ شهر برتر از منظر رقابت پذیری شهری قبل مشاهده اند.

۲۸ هماهنگی (Coordination)- همکاری (Cooperation)- همیاری یا تشریک مساعی (Collaboration)

29 Multicultural/transcultural/intercultural City.

30 Doing Business 2010: Reforming Through Difficult Times.

31 <http://data.worldbank.org/country/iran-islamic-republic>.

32 <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.PP.CD>.

33 The Economist Intelligence Unit (EIU).

34 Mercer's Quality of Living survey.

35 Corruptions Perception Index (CPI).

36 Transparency International.

فهرست منابع

احمدآخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ بصیرت، میثم و همکاران (۱۳۸۶)، حاکمیت شهر منطقه تهران: چالش ها و روند ها، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۹، صص ۱۶-۵.

احمدآخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ بصیرت، میثم و همکاران (۱۳۸۷)، چشم انداز نظام حاکمیت منطقه کلان شهری تهران، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۳۳، صص ۲۶-۱۵.

احمدی ترشیزی، م (۱۳۸۴)، الزامات پایداری شهر تهران با تأکید بر سرشت جغرافیایی شهرهای جهانی؛ رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۷)، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ترجمه محمد رضا باوفا، انتشارات امیرکبیر، تهران.

اسدی، ایرج (۱۳۸۹)، تبیین عقلانیت منطقه گرایی کلان شهری در تهران، رساله دکتری در شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران.

برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

برک پور، ناصر و بصیرت، میثم (۱۳۸۹)، چالش های حکمروایی روستایی در منطقه کلانشهری تهران، کنفرانس بین المللی سکونتگاههای روستایی، ارنیبهشت ۱۳۸۹.

1 Secondary Analysis.

2 Meta Analysis.

3 Descriptive Research.

4 Explanatory Research.

5 Exploratory Research.

6 World City.

7 Informational City.

8 Cosmopolis.

9 Global City.

10 Globalization of Law and Practices.

11 Urban Competitiveness.

12 Place Wars.

13 Urban Growth Machine.

14 Urban Regimes.

15 Entrepreneurial City.

16 Governance.

17 Good Governance.

18 City-Region Government and Governance.

19 Metropolitan Region.

20 Fragmentation.

21 Integrated Governance.

۲۲ نگاه کنیو دپه: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران و نیز تبلیغ سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

23 Urban Agglomerations.

24 http://www.citymayors.com/economics/expensive_cities_eiu.html.

۲۵ باتاسیس استان البرز، شهرستان طالقان به مجموعه شهرستانهای منطقه کلانشهری تهران افزوده شده است.

26 Global Urban Competitiveness Index Rankings (GUCl).

۲۷ به گونه ای که دومی با رتبه ۳۷، دوحه ۵۵، کویت ۱۰۷، ریاض

شناسایی و ارزیابی نظام موجود مدیریت مجموعه شهری تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۰). طرح مطالعاتی جهانی شدن تهران. کارفرما: انستیتو شگاه‌یافت شهر تهران (سازمان نوسازی شهر تهران). گزارش منتشر نشده.

Albrow, Martin (1997), *The Global Age*, Stanford: Stanford University Press.

Barlow, I. Max. (1991), *Metropolitan Government*, Routledge, London and New York.

Beaverstock, J.V., P. Taylor and R.G. Smith (1999), A Roster of World Cities. *Cities*, Vol. 16, pp. 445-458.

Boyer, Christine (1988), «The Return of Aesthetics to City Planning», *Society*, 25(4): 49-56.

Castells, M (1996), *The Rise of the Network Society*, Blackwell, Oxford.

Castells, M (1997), *The Power of Identity*, Blackwell, Oxford.

Castells, M (1998), *End of Millennium*, Blackwell, Oxford.

Castells, M. (1989), *The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring, and the Urban Regional Process*, Blackwell, Oxford.

Chinkin, C. (1998), International law and human rights. In T. Evans (ed.), *Human Rights Fifty Years On: A Reappraisal*, Manchester University Press, Manchester.

Cybrivsky, Roman (1999), Changing patterns of urban public space: Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas, *Cities*, (16:4), pp 223-231.

Dasgupta Parikshit (2003), *Globalization of Law and Practices*, available at <http://www.legalserviceindia.com/articles/glp.htm>.

Douglass, Mike & Haung, Liling (2007), Globalizing the city in southeast Asia: utopia on the urban edge- the case of phu my hung. *SAIGON, IJAPS* Vol. 3, No. 2, pp 1-42.

Evans, Peter (1995), *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Faulks, Keith. (2000), *Citizenship*, Routledge, London.

Fligstein, Neil (2001), *The architecture of markets: An economic sociology of twenty-first-century capitalist societies*, Princeton, NJ, Princeton University.

Friedman, Jonathan (1995), *Global System, Globalization and the Parameters of Modernity*, in Featherstone, M., Lash, S. and Robertson, R. (eds.), *Global Modernity*, pp. 69-90, Sage, London.

Friedmann, J., Wolff, G. (1982), World City Formation: An Agenda for Research and Action, *International Journal of Urban and Regional Research*, 6, pp309-344.

Fukuyama, Francis (1992), *The End of History and the Last Man*, Macmillan, New York.

Goss, S. (2001), *Making Local Governance Work*, Palgrave.

Grant, Richard and Jan Nijman (2002), Globalization and the corporate geography of cities in the less-devel-

په صورت، میثم (۱۳۸۵)، تجربیات حکمروایی مناطق کلانشهری، آموزه‌هایی برای ایران، فصلنامه مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۵۱-۳۴.

بیگر، ال. ترز (۱۳۸۸)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نیلی، نشر نی، تهران.

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۲)، طراحی نظام مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، تهران در شرایط جهانی سازی، مقاله منتشر شده در مجموعه مطالعات فرادست طرح جامع تهران، گزارش پیوست: تجارب جهانی در ترسیم نقش فراملی تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، جهانی سازی یا بهبود بهره‌وری: بررسی ارتباط بین چالش‌های اصلی کلانشهر تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۳۳-۲۲.

تامپلنسون، جان (۱۳۸۱)، جهانی شدن و فرهنگ: ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۷)، تبیین فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی منطقه کلانشهری تهران، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی.

دانشپور، زهره (۱۳۸۵)، تحلیل نگرانی‌های فضایی در محیط‌های پیرا-شهری، هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۱۴-۵.

ساسن، ساسکیا (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی جهانی شدن، ترجمه مسعود کریم‌اسیان، نشر چشمه، تهران.

شورت، جان رنای و کیم، یونگ هیوم (۱۳۸۴)، جهانی شدن و شهر، ترجمه احمد پور احمد و شلیان (قهرمان) رستمی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

فریادی، شهرزاد (۱۳۸۱)، تدوین زبان طراحی شهری مطلی (ایرانی) در فرآیند جهانی شدن (شهرها) با تأکید بر مفهوم هسته‌های شهری، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

کاظمیان، غلامرضا و پرهیزگار، اکبر (۱۳۸۴)، رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان شهری تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۶، صص ۴۹-۲۹.

کرمی، تاج‌الدین (۱۳۹۰)، نابرابری فضایی در فرآیند گسترش شهر (مطالعه موردی: شهر تهران)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلّم تهران.

کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالله حسین نیک‌گهر، چاپ دوم، انتشارات توتیا، تهران.

محمدی، علیرضا (۱۳۹۰)، تحلیل فضایی خدمات پیشرفته‌پشتیبان تولید با تأکید بر کارکرد فراملی کلانشهر تهران، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهاى عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوربان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۴)، طرح بازنگری ساختاری نظام مدیریت و مالیه شهری کلانشهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، شهرداری تهران.

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۵)، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف (مرحله اول)، گزارش شماره ۵،

itat International 27, pp 523-54.

Robinson, Jennifer(2006), *Ordinary Cities: Between Modernity and Development*, New York: Routledge.

Sassen, Saskia (2001), *The Global City: New York*, London, Tokyo, 2nd edition, Princeton University Press, Princeton, NJ.

Sassen, Saskia(1991), *The Global City: New York*, London, Tokyo, Princeton University Press, Princeton.

Savitch, H. V. and Paul Kanto(2002), *Cities in the International Marketplace: The Political Economy of Urban Development in North America and Western Europe*, Princeton University Press, Princeton.

Schäfer, Wolf (2004), *How Global is Tehran? Tangential Remarks on the Globality of Cities*, in *New Global History and the City*, edited by Elliott Morss. New Global History Press.

Scott, Allen John (2001), *Global City – Regions: Trends, Theory*, Policy Oxford University Press.

Short J (2004), Black holes and loose connections in a global urban network, *Professional Geographer*, 56, pp295-301.

Smith, David A.(2003), Rediscovering cities and urbanization in the 21st century worldsystem, in Wilma A. Dunaway, ed., *Emerging Issues in the 21st Century World-System*, Volume II: New Theoretical Directions for the 21st Century World-System, Westport: Praeger, pp. 111–129.

Stone, Clarence N.(1989), *Regime Politics: Governing Atlanta 1946–1988*, Lawrence, University Press of Kansas.

Sybert. R. (1999), *Models of regional governance*, in Kemp. L. roger (ed), *forms of local governance: A Handbook on city, county & regional option*, Farland company Inc publisher.

Taylor, P. J., Catalano, G. and Walker, D. R. F. (2002), Exploratory analysis of the world city network, *Urban Studies* 39, pp. 2377-94.

Taylor, Peter J.(2004), *World City Network: A Global Urban Analysis*, Routledge, London.

Taylor, Peter J.(2000), World cities and territorial states under conditions of contemporary globalization, *Political Geography*, 19(1), pp. 5–32.

UN(2007), *World Urbanization Prospects report (2007 revision)*, UN: <http://esa.un.org/unup/index.asp?panel=2>.

UNFPA (2007), *State of World Population*, United Nations Population Fund.

UNHSP(UN-Habitat) (2004), *The State of the World's Cities 2004/2005: Globalization and Urban Culture*, Earthscan, UK and USA.

United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), (2006), *The State of the World's Cities Report 2006/2007: The Millennium Development Goals and Urban Sustainability*, London: Earthscan.

United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), (2006), *The State of the World's Cities Report 2006/2007: The Millennium Development Goals and Urban Sustainability*, London: Earthscan.

oped world, *Annals of the Association of American Geographers*, 92(2), pp. 320–340.

Grant, Richard and John Rennie Short, eds(2002), *Globalization and the Margins*, Palgrave, New York.

Gugler, Josef, ed.(2004), *World Cities beyond the West: Globalization, Development and Inequality*, Cambridge University Press, Cambridge.

Haider, D. (1992), Place Wars: new realities of the 1990s, *Economic Development Quarterly*, 6, pp. 127-134.

Hall, T. and Hubbard, P. (1998), *The Entrepreneurial City: Geographies of Politics, Regime and Representation*, John Wiley and Sons, Chichester.

Hamilton, K. D (1999), *Governing Metropolitan Areas: Response to Growth and Change*, Garland Publishing, Inc, New York and London.

Harvey, David(1989a), From managerialism to entrepreneurialism: the transformation in urban governance in late capitalism, *Geografiska Annaler B*, 71, pp. 3–17.

Harvey, David(1989b), *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change*, Blackwell, Cambridge.

Healy, P (1995), *Challenges for Urban Management*, in ; *Managing Cities*, John Wiley and Sons, New York.

Heinelt ,Hubert and Kubler,Daniel(2005), *metropolitan Governance*, Routledhe, London and New York.

Held, D. (1995), *Democracy and the global order: from the modern state to cosmopolitan governance*, Cambridge: Polity Press.

Hirst, P. and Thompson, G. (1996), *Globalization in Question*, Cambridge, Polity Press.

Kim, Y.-H. and Short, J. R. (2008), *Cities and Economies*, Routledge, London / New York.

Knox, Paul L. and Peter J. Taylor, eds(1995), *World Cities in a World System*, Cambridge University Press, Cambridge.

Marcus· Peter (2006), *Space in the Globalizing city*, Published in *The Global Cities Reader (Urban Readers Series)*, Edited by Neil Brenner and Roger Keil, London & New York, Rutledge, pp 361-369.

Marefat , Mina (2004), *Fractured Globalization: A Case Study of Tehran*, in *New Global History and the City*, edited by Elliott Morss, New Global History Press.

McGrew, AG (1992), *A global society?* In S. Hall, D. Held and A. McGrew (eds), *Modernity and its Futures*, Polity Press, Cambridge.

Miller. David. (2002), *The Regional Governing of Metropolitan America*, Boulder, West View Press.

Ni ,Pengfei and Kresl ,Peter Karl(2010),*The Global Urban Competitiveness Report –2010*, Edward Elgar Cheltenham, UK • Northampton, MA, USA.

Pizarro, R.E, Wei, L.A, and Banerjee, T. (2003), Agencies of globalization and third world urban form: A review, *Journal of Planning Literature*, November 1, pp30-111.

Rakodi.C (2003), Politics and Performance: The Implication of Emerging Governance Arrangements for Urban Management Approaches and Information Systems, *Hab-*